



پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقر العلوم در علوم سیاسی

عنوان:

نقش عقل در تولید و بسط

دانش فقه سیاسی اسلامی

(با تأکید بر آیت الله میرزا حسین نائینی

و آیت الله سید محمدباقر صدر)

استاد راهنما:

دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

دکتر داود فیرحی

نگارنده:

محمود ابراهیمی ورکیانی

1385

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تقدیر و تشکر

«من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»

از کسانی که این پژوهش مرهون مساعدتهای بی دریغ آنان است در اینجا از همه آنها قدردانی و سپاسگذاری می‌کنم به ویژه از:

جناب استاد دکتر میراحمدی که راهنمایی و هدایت این پایان نامه را بر عهده داشتند و با سعه صدر خویش مرا در این امر رهنمون کردند و نیز از جناب استاد دکتر فیرحی که استاد مشاور این پژوهش بودند که از مشاوره و نکته سنجی‌های دقیق ایشان کمال قدردانی را دارم.

همچنین از جناب استاد حجت الاسلام آل غفور به لحاظ بنیانگذاری دانشگاه باقرالعلوم (ع) و نیز از دیگر مسئولان و استادان این دانشگاه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

همچنین از جناب آقای کریم تبار که امور رایانه‌ای و صفحه‌آرایی رساله را به عهده داشتند و نیز از آقایان جلیلی و نحف پور و مسئولان کتابخانه دانشگاه قدردانی می‌کنم.



در اینجا لازم است از همسر و فرزندم به علت تحمل مشکلات دوران تحصیل به طور خاص تشکر کنم.



تقدیم به دو گوهر نایاب هستی:

پدرم: روحش شاد

مادرم: عمرش مستدام

تقدیم به دو گوهر نایاب هستی:

پدرم: روحش شاد

مادرم: عمرش مستدام



چکیده

رساله حاضر درصدد بررسی نقش عقل در تولید و بسط دانش فقه سیاسی با تأکید بر آیت الله میرزا حسین نائینی و آیت الله سید محمد باقر صدر است.

سؤال اصلی این نوشتار این است که: نقش عقل و عقل گرایی در تولید دانش فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی و آیت اله صدر چیست؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه را به آزمون گذاشتیم که: بکارگیری روش عقلانی در فهم نصوص دینی موجب تولید دانش فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی و آیت الله صدر گردیده و این امر با پیوند اجتهاد و سیاست، دانش فقه سیاسی اسلامی را سبب و گسترش داده است.

فقه سیاسی شیعه این ظرفیت و پتانسیل را دارد که با استفاده از روش اجتهاد و بکارگیری عقل به عنوان یک منبع مستقل آنهم از نوع قاعده ملازمه، پاسخگوی نیازهای فقهی _ سیاسی انسان با توجه به مقتضیات هر زمان و مکان باشد. در این زمینه نائینی با توجه به اصل عقل گرایی در صدور فتوا، به استنباط نصوص بر اساس زمان و مکان تأکید می کند و خود، رساله تنبیه الامه و تنزیه المله را درباره مشروطیت و در جهت به بار نشستن مفاهیم جدیدی همچون آزادی، حکومت پارلمانی، عدالت اجتماعی و ... بکار می بندد.

صدر هم با تأکید فراوان بر تحول اجتهاد در «فهم اجتماعی نصوص» بر این باور است که می توان با این روش احکام فقه فردی را به فقه اجتماعی و سیاسی سرایت داد. وی خود با توجه به مقتضیات زمان و مکان در سه دوره متفاوت، سه شکل حکومت (شورایی، ولایت انتصابی عامه فقیهان و حکومت شورایی امت + نظارت و گواهی مرجع) را ارائه می دهد.

نتیجه اینکه نائینی و صدر هر کدام با روش پیشنهادی خاص خود (نائینی روش عقلی و صدر روش تحول اجتهادی) در صدد تبیین نظرات و دیدگاههای فقهی _ سیاسی خود بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی هستند که نتیجه آن در نظریه پردازی فقه سیاسی آنان درباره زندگی و نظام سیاسی آشکار گردیده است.

فهرست مطالب

1	مقدمه: طرح تحقیق
2	1- طرح موضوع:
2	2- علت انتخاب موضوع:
3	3- اهمیت انتخاب موضوع:
3	4- فایده پژوهش:
4	5- هدف پژوهش:
4	6- سابقه پژوهش:
4	7- سؤال اصلی پژوهش:
4	8- فرضیه پژوهش:
4	9- مفروضات پژوهش:
5	10- مفاهیم و متغیرها:
5	11- سؤالات فرعی پژوهش:
5	12- روش پژوهش:
6	13- روش گردآوری اطلاعات و دادهها:
6	14- سازماندهی پژوهش:
7	فصل اول: ماهیت و مبانی دانش فقه سیاسی
9	روش شناسی
11	فلسفه سیاسی اسلامی:
13	فقه سیاسی اسلامی:
14	فقه سیاسی اهل سنت:
14	فقه سیاسی قدیم:
15	فقه سیاسی جدید:
15	فقه سیاسی شیعه:
16	1- از عصر شکوفایی فقه خصوصی تا عصر سلطنت و ولایت
16	مرحله دوم - عصر مشروطیت و نظارت:
17	مرحله سوم - عصر جمهوری اسلامی:
19	فقه سیاسی در کتب متقدمین و متأخرین

20	اجتهاد:
21	لزوم تحول اجتهاد و فقه
22	عقل:
23	مسأله حجیت یقین:
23	قاعده ملازمه:
24	مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه
27	نتیجه گیری
فصل دوم: نقش عقل و اجتهاد در تولید دانش فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی	

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.	مقدمه
Error! Bookmark not defined.	زندگی نامه
Error! Bookmark not defined.	فعالیت‌های سیاسی
Error! Bookmark not defined.	روش شناسی آیت الله نائینی
Error! Bookmark not defined.	اجتهاد در نزد نائینی:
Error! Bookmark not defined.	مقدمه واجب
Error! Bookmark not defined.	احکام اولیه و ثانویه
Error! Bookmark not defined.	عقل و فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی
Error! Bookmark not defined.	مؤلفه‌های فقه سیاسی
Error! Bookmark not defined.	1 - ضرورت حکومت:
Error! Bookmark not defined.	2 - در اقتدار ولایه:
Error! Bookmark not defined.	حکومت پارلمانی:
Error! Bookmark not defined.	تفکیک قوا:
Error! Bookmark not defined.	قانون اساسی:
Error! Bookmark not defined.	ولایت فقیه
Error! Bookmark not defined.	نتیجه گیری:

فصل سوم: نقش عقل و اجتهاد در تولید و بسط دانش فقه سیاسی نزد آیت الله

Error! Bookmark not defined.	صدر
Error! Bookmark not defined.	مقدمه
Error! Bookmark not defined.	زندگی نامه
Error! Bookmark not defined.	استادان:
Error! Bookmark not defined.	تدریس:
Error! Bookmark not defined.	شاگردان و آثار:
Error! Bookmark not defined.	مرجعیت بیسابقه:
Error! Bookmark not defined.	فعالیت‌های سیاسی:
Error! Bookmark not defined.	جماعه العلماء نجف اشرف
Error! Bookmark not defined.	حزب دعوت اسلامی
Error! Bookmark not defined.	شهادت:
Error! Bookmark not defined.	روش شناسی آیت الله صدر
Error! Bookmark not defined.	اجتهاد در نزد شهید صدر
Error! Bookmark not defined.	1 - گسترده‌گی در هدف اجتهاد:
Error! Bookmark not defined.	2 - پایان کوتاه نگری در هدف اجتهاد

Error! Bookmark not defined.	منطقه الفراغ:
Error! Bookmark not defined.	احکام اولیه و ثانویه:
Error! Bookmark not defined.	عقل و فقه سیاسی نزد آیت الله صدر
Error! Bookmark not defined.	مؤلفه‌های فقه سیاسی:
Error! Bookmark not defined.	ضرورت حکومت:
Error! Bookmark not defined.	ضرورت دولت اسلامی:
Error! Bookmark not defined.	انواع دولتها:
Error! Bookmark not defined.	ویژگیها و وظایف دولت اسلامی
Error! Bookmark not defined.	اشکال دولت اسلامی:
Error! Bookmark not defined.	شکل اول:
Error! Bookmark not defined.	قسم اول:
Error! Bookmark not defined.	قسم دوم:
Error! Bookmark not defined.	شکل دوم:
Error! Bookmark not defined.	شکل سوم:
Error! Bookmark not defined.	ساختار حکومت اسلامی
Error! Bookmark not defined.	امت:
Error! Bookmark not defined.	وظایف امت:
Error! Bookmark not defined.	مرجع ناظر:
Error! Bookmark not defined.	وظایف مرجع:
Error! Bookmark not defined.	قوای سه گانه:
Error! Bookmark not defined.	الف: قوه مقننه:
Error! Bookmark not defined.	وظایف قوه مقننه:
Error! Bookmark not defined.	قوه قضائیه:
Error! Bookmark not defined.	وظایف قوه قضائیه:
Error! Bookmark not defined.	نتیجه گیری:

فصل چهارم: نقاط اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی آیت الله نائینی و آیت الله

Error! Bookmark not defined.	صدر
Error! Bookmark not defined.	1- وجوه اشتراک:
Error! Bookmark not defined.	الف: دیدگاه فقه سیاسی
Error! Bookmark not defined.	ب: ضرورت عقلی حکومت:
Error! Bookmark not defined.	ج: اصل شورا
Error! Bookmark not defined.	افتراق:
Error! Bookmark not defined.	1- روش شناسی فقه سیاسی:
Error! Bookmark not defined.	2- حکومت پیشهادی:
Error! Bookmark not defined.	3- نقش فقیهان در حکومت:

[Error! Bookmark not defined.](#) **جمع بندی و نتیجه گیری**

[Error! Bookmark not defined.](#) **فهرست منابع**

مقدمه:

طرح تحقیق

1- طرح موضوع:

دانش سیاسی اسلامی حاصل تأملات نظری و تلاشهای اندیشمندان اسلامی در زمینه سیاست و زندگی سیاسی است. این دانش با توجه به مؤلفه‌ها و مبانی نظری خاص از هویت و شاکله ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بی‌تردید از یک سو در تولید و بسط این دانش عقل و تلاشهای عقلانی اندیشمندان از جایگاه بالایی برخوردار بوده و از سوی دیگر تأملات عقلانی آنها بر محور دین بنیان نهاده شده است. از این رو فهم عقلانی اندیشمندان مسلمان از دین، در تولید و بسط دانش سیاسی اسلامی نقش زیادی خواهد داشت.

دانشمندان اسلامی با توجه به محوریت دین تلاش داشته‌اند، عقل را به آن پیوند زده و با کمک عقل فهم آموزه‌های دینی را برای خود آسان کنند. ما در نتیجه این رابطه و پیوند به دانش فقه سیاسی اسلامی می‌رسیم، دانشی که حاصل تأملات عمیق عقلانی از پیوند دین و عقل است.

در این پژوهش سعی می‌شود، نقش عقل در تولید دانش سیاسی اسلامی در دوران قدیم و بسط و گسترش این علم در دوران جدید از منظر فقه سیاسی نگریسته شود.

2- علت انتخاب موضوع:

بی‌تردید یکی از مشکلات کنونی دنیای اسلام در مباحث علمی و عملی، عدم استفاده از عقل در عرصه‌های مختلف از جمله مباحث سیاسی است. گرچه شیعیان در فقه و فلسفه سیاسی با استفاده از مبانی عقلی، گوی سبقت را از رقیب خود اهل سنت ربوده‌اند و کنکاش عقلانی آنها بیشتر است. با این وجود سیر تطور استفاده از عقل نزد اندیشمندان مسلمان در نحله‌های مختلف علمی متفاوت بوده است و دانش فقه سیاسی هم از این امر مستثنی نیست. آیا عقل توانسته است نقش خود را در تولید دانش فقه سیاسی اسلامی ایفا کند و در صورت مثبت بودن پاسخ آن این نقش به چه میزان بوده است؟ و تأثیرات آن را آیا می‌توان

امروز در مباحث و نظرات سیاسی دنبال کرد، از جمله سؤالاتی بود که برای نگارنده پاسخ دادن به آنها جذاب به نظر می‌رسید.

در این پژوهش سعی می‌شود:

نقش عقل در تولید دانش سیاسی اسلامی از منظر فقه سیاسی با تأکید بر آیت الله نائینی و آیت الله صدر نگریسته شود.

3- اهمیت انتخاب موضوع:

این پژوهش بر آن است که نشان دهد، دانشمندان مسلمان از جمله آیت الله نائینی و آیت الله صدر در پیشبرد دانش فقه سیاسی اسلامی از چه ابزارهای علمی استفاده می‌کردند. و این ابزارها که یکی از آنها استفاده از روش عقلانی بوده است چه میزان نقش داشته‌اند و اینکه چرا دانشمندان بدان روی آورده‌اند. این نوشتار سعی می‌کند، کوششی حداقل برای استمرار روش عقلانی در تولید و زایش دانش سیاسی اسلامی داشته باشد، دانشی که با فراز و نشیب خود سعی در پیشبرد اهداف بلند جامعه اسلامی را دارد.

4- فایده پژوهش:

در شرایط جامعه اسلامی - ایرانی ما، شناخت مبانی نظری دانش سیاسی امری ضروری به نظر می‌رسید، البته این دانش و استفاده از روش عقلانی در پیشبرد آن، گرچه در اعصار گذشته متفاوت بوده است، اما چگونگی و شکل‌گیری آن منوط به دریافت صحیح و اصولی از آن می‌باشد. این امر می‌تواند نقش حداقل را در استفاده صحیح از عقل برای باز تولید و تصحیح مبانی معرفتی در مسائل سیاسی دوران معاصر ایفا کند.

5- هدف پژوهش:

این پژوهش در صدد ریشه‌یابی مبانی عقلی و طریقه استفاده از آن در تولید دانش فقه سیاسی مسلمانان و بسط و گسترش آن در زندگی سیاسی معاصر است و اینکه آیا می‌تواند آن نقش را که در گذشته بوده، همان یا به گونه‌ای دیگر را برای عصر حاضر به اثبات برساند.

6- سابقه پژوهش:

تحقیقاتی که در زمینه عقل و روش عقلانی در پیشبرد علوم صورت گرفته بسیارند و در زمینه علوم سیاسی هم این امر مشاهده می‌شود. فرقی که این پژوهش با تحقیقات مشابه دارد، در این است که آنها بیشتر به توصیف روش عقلانی بطور عام پرداخته و کمتر به تحلیل این روش در تولید دانش فقه سیاسی و بسط آن در دوران معاصر به طور خاص پرداخته‌اند.

7- سؤال اصلی پژوهش:

نقش عقل و عقل‌گرایی در تولید دانش فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی و آیت الله صدر چیست؟

8- فرضیه پژوهش:

بکارگیری روش عقلانی در فهم نصوص دینی موجب تولید دانش فقه سیاسی نزد آیت الله نائینی و آیت الله صدر گردیده و این امر با پیوند اجتهاد و سیاست دانش فقه سیاسی اسلامی را بسط و گسترش داده است.

9- مفروضات پژوهش:

امروزه فهم عقل و دین در دنیای معاصر دچار تحول شده است. با بررسی آثار متقدمین از اندیشمندان مسلمان به این نتیجه می‌رسیم که برای آنها هم در اعصار گذشته این چنین بوده است.

بنابراین اولاً تمسک به قرآن، سنت و اجماع در دو فرقه شیعه و اهل تسنن پیوسته برقرار بوده با این تفاوت که برداشتهای آنها از این سه مورد با یکدیگر فرق داشته است. و ثانیاً عقل بعنوان یکی از ادله شرعی برای فهم نصوص دینی نزد شیعه مفروض است و اهل سنت هم با طرح مسئله قیاس در صدد جبران مسائل عقلانی خود در فهم نصوص دینی است.

پس بسیاری از اندیشمندان شیعه و اهل سنت بر استفاده از عقل در فهم نصوص دینی از جمله در فقه سیاسی تأکید می‌کنند.

10 - مفاهیم و متغیرها:

مفاهیم (واژگان کلیدی): نص - عقل - اجتهاد - فقه سیاسی
متغیر مستقل: بکارگیری روشهای عقلانی و پیوند عقل و عرف و برداشتهای عقلانی از

متون

متغیر وابسته: تولید و بسط دانش فقه سیاسی اسلامی

11 - سؤالات فرعی پژوهش:

- 1- ماهیت و مبانی دانش فقه سیاسی اسلامی چیست؟
- 2- نقش عقل و اجتهاد در تولید و بسط فقه سیاسی شیعه نزد آیت الله نائینی چیست؟
- 3- نقش عقل و اجتهاد در تولید و بسط فقه سیاسی شیعه نزد آیت الله صدر چیست؟
- 4- نقاط اشتراک و افتراق اندیشه فقه سیاسی این دو دانشمند چیست؟
- 5- جمع بندی و نتیجه گیری

12 - روش پژوهش:

روش این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

13- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها:

از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

14- سازماندهی پژوهش:

این پژوهش شامل یک مقدمه چهار فصل و یک نتیجه‌گیری است. در فصل اول: دانش فقه سیاسی اسلامی، ماهیت و مبانی آن را بررسی کرده‌ایم، هدف این فصل فراهم کردن مبانی نظری و روش شناختی مورد نیاز برای کنکاش نظرات فقهی - سیاسی نائینی و صدر است.

در فصل دوم به نقش عقل و اجتهاد در تولید و بسط دانش فقه سیاسی شیعه نزد آیت الله نائینی پراخته شده است.

در فصل سوم هم به نقش عقل و اجتهاد در تولید و بسط دانش فقه سیاسی شیعه نزد آیت الله صدر اشاره شده است .

در فصل چهارم نیز به مقایسه نقاط اشتراک و افتراق فقه سیاسی این دو اندیشمند پرداخته‌ایم و در آخر به جمع بندی و نتیجه گیری می‌رسیم.

فصل اول:

ماهیت و مبانی دانش فقه سیاسی

فصل اول: ماهیت و مبانی دانش فقه سیاسی اسلامی

امروزه ما شاهد رشد اسلام گرایی در جهان هستیم. اسلامی که اگر در چند سده قبل با فتوحات مسلمانان تا اسپانیا به پیش رفت، اما هم اکنون به سراسر دنیا گسترش یافته و با این رشد خود بسیاری از ادیان و مکاتب را تحت الشعاع قرار داده است. بطوری که از یکسو بعضی از پیروان ادیان دیگر نسبت به روی آوردن پیروان خود به اسلام ابراز نگرانی می کنند و از سوی دیگر ایدئولوژی حاکم بر غرب یعنی لیبرال — دموکراسی را به لحاظ کارکرد با چالش مواجه کرده است. و اگر منادیان این نظریه در گذشته و به ویژه هم اکنون ادعای گسترش ارزشهای لیبرال — دموکراسی در جهان معاصر را دارند امروزه با چالش جدیدی با پشتوانه قوی ای همچون تمدن اسلامی روبرو گشته اند.

در عرصه بین الملل هم گر چه برخی متفکران غربی مانند هانتینگتن قائل به برخورد تمدنها از جمله رویارویی تمدن اسلام و غرب هستند اما با تحولات دنیای امروز به این نتیجه می رسیم که لااقل در بعد نظری ایدئولوژی اسلامی در صدد کنار گزاردن نظریات غربی به خصوص لیبرال - دموکراسی است.

در عرصه داخلی نیز باید توجه داشت، ایدئولوژی اسلامی که کشورهای مسلمان آنرا تبلیغ می کنند دچار چالشها و مشکلات فراوانی هستند که حل کردن آن به بازنگری در برداشت از اسلام راستین نیاز است، اسلامی که از صدر حدوث خود دچار مشکلات فراوانی شد، در بقاء هم تزلزل و از هم گسیختگی عقیدتی و سیاسی بر معضلات آن افزود.

امروزه اسلام با برجسبهای بنیادگرا - میانه رو و رادیکال شناخته می شود. شاید این تقسیم بندی به نوعی درست باشد، چرا که مسلمانان هر کدام تفسیری از اسلام در بعد نظر و عمل در دنیای معاصر به منصفه ظهور رسانده اند.

با این وجود اندیشه سیاسی مسلمانان، اندیشه و تفکری دین مدار است. «دین» همچون مرکز دایره ای در کانون اندیشه مسلمانان قرار دارد. اندیشمندان مسلمان همواره اندیشه ها و تأملات خود را بر محور دین

تنظیم کرده‌اند. فهم اندیشمندان مسلمان از دین، تأثیر زیادی بر اندیشه و آراء و در نتیجه عمل آنان بر جای گذاشته است.¹

ما در این نوشتار سعی می‌کنیم اسلام را از بعد شیعی آنهم در یک دانش اصلی به نام فقه سیاسی دنبال کنیم تا برخی از زوایای این دانش با کمک عقل روشن شود.

روش شناسی

پیش از آنکه درباره ماهیت و مبانی دانش فقه سیاسی به تفصیل بحث شود جا دارد به لحاظ روش شناختی زوایای مختلف این علم بررسی شده و بعد به کنکاش کارکردی آن پردازیم. دانش سیاسی از یک طرف در دل دانش‌های دیگر قرار می‌گیرد و از طرف دیگر خود به زیر شاخه‌هایی تقسیم می‌شود. از آنجا که مسأله طبقه بندی علوم آیین تمام نمای اندیشه و دانشمندان به حساب می‌آید به عنوان سنگ زیر بنای مباحث دیگر قابل طرح می‌باشد.

بی‌شک طبقه بندی دانش سیاسی اسلامی به لحاظ روشن شناسی ما را در شناسایی انواع دانشها در نزد اندیشمندان مسلمان از یک سو و سیر تطور آن در دوره‌های مختلف تاریخی از صدر اسلام تاکنون یاری خواهد داد.

متفکران اسلامی اعم از شیعه و سنی هر کدام برای دریافت احکام و مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کتاب و سنت را به عنوان قدر متیقن ادله خود قرار داده‌اند، صرفنظر از نوع برداشت علمای شیعه و اهل سنت از این دو منبع، دیگر ادله یعنی عقل، استحسان، اجماع، مصلحت مرسله و عدالت صحابه در جای خود به بحث گذاشته می‌شود. اما با توجه به اینکه وحی مصدر امور اسلام است و به عبارت دقیق‌تر نص‌گرایی در کانون توجه دو مذهب شیعه و سنی است و از سوی دیگر عقل هم بعنوان یک پایه اصلی مراجعات اندیشمندان اسلامی محسوب می‌شود می‌توان گفت: عقل و نقل ریشه و اساس مبانی تفکرات اسلامی به حساب می‌آید با این مقدمه عقل و نقل، برتری یکی بر دیگری یا جمع هر دو از دغدغه‌های فلاسفه و فقها در تشریح و تبیین دین اسلام بوده است.

حال از منظر طبقه بندی علوم نزد اندیشمندان مسلمان باید به این مهم از نگاهی خاص توجه ویژه داشت.

1 - منصور میر احمدی، اسلام و دموکراسی مشورتی، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1384، ص 124.

گرچه طبقه بندی علوم از زمان ارسطو رایج بوده و برخی از دانشمندان اسلامی هم به فراخور گرایش فلسفی یا فقهی و یا ترکیبی از این دو تقسیمی از انواع علوم ارائه کرده‌اند. اما می‌توان ادعا کرد که نسبت بین عقل و نقل نقطه تمرکز طبقه بندی دانش سیاسی اسلامی نزد آنان بوده است.^۲

این نسبت را هم می‌توان در گذشته مشاهده کرد و هم ردپای آن را تا به امروز جستجو کرد. در این جستار سعی می‌شود تقسیم دانش سیاسی اسلامی که در گذشته مطرح بوده با معرفی شاخه‌ای از آن یعنی فقه سیاسی سیر تطور و جایگاه فعلی آن مورد بحث قرار گیرد. به عبارت بهتر در دوران قدیم، دانش سیاسی اسلامی تلاش می‌شده بر محور عقل و نقل متمرکز شود بنابراین ما هم این امر را به لحاظ روش شناختی از نگاه یکی از متفکران و مستشرقان غربی دنبال می‌کنیم. اروین روزنتال دانش سیاسی مسلمانان را به سه دسته تقسیم می‌کند. فلسفه سیاسی (میراث فلسفی یونان با ترکیبی از شریعت) شریعت نامه نویسی (یا اندیشه خلافت سنی و امامت شیعی با تأکید بر آموزه‌های دینی) و رساله‌های آیین شاهی یا اندرز نامه نویسی با تأکید بر اندیشه ایرانشهری.^۳

البته فرهنگ رجایی - پژوهشگر معاصر این طبقه بندی را می‌پذیرد اما معتقد است اندرز نامه نویسی به گروه خاصی از اندیشمندان اختصاص ندارد در حالیکه شریعت نامه‌ها و فلسفه نامه‌ها به ترتیب از سوی فقها و فلاسفه نوشته شده‌اند.^۴

از سوی دیگر منتقد اندیشه‌های اسلامی - ایران سید جواد طباطبایی این تثلیث روزنتال را تأیید کرده و برای هر کدام از نحله‌های فلسفه سیاسی، اندرز نامه نویسی و شریعت نامه نویسی به ترتیب فارابی، خواجه نظام الملک و خنجی را معرفی می‌کند.^۵ گرچه طباطبایی در منحنی تحول اندیشه سیاسی غزالی، این تثلیث را مورد نقض می‌داند چرا که غزالی شریعت نامه نویسی سیاست نامه هم تحریر کرده است. طباطبایی در کتاب دیگر خود تمایز قطعی بین این سه دانش را صحیح ندانسته و ماوردی را هم به غزالی در این زمینه ملحق می‌کند.^۶

2- سید صادق حقیقت، روش شناسی دانش سیاسی اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 28، سال هفتم، زمستان 83، ص 101.

3- همان، ص 116.

4- فرهنگ رجایی: معرکه جهان بینی‌ها، چاپ اول، تهران، نشر احیاء کتاب، 1373، ص 18.

5- سید جواد طباطبایی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، چاپ چهارم، تهران، نشر کویر، 1374، ص 6-29.

6- سید جواد طباطبایی، ابن خلدون و علوم اجتماعی، تهران، طرح نو، 1374، ص 25.

داود فیرحی در کتاب قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام با نقد این تثلیث موضوعی را در پیش می‌گیرد که اندرز نامه نویسی را به عنوان یک شاخه سیاسی مستقل نمی‌پذیرد و تحقق و پژوهش خود را بر اساس فلسفه سیاسی و فقه سیاسی بنیان می‌نهد.⁷

تفاوتی که شاید در برداشت فرهنگ رجایی و فیرحی وجود داشته باشد این است که رجایی تثلیث را پذیرفته اما اندرز نامه را بعنوان یک دانش مستقل ندانسته و احتمالاً به نظر وی به کمک دانش سیاسی اسلامی می‌آید و فهم آن را بهتر می‌کند. ولی فیرحی این تثلیث را از اساس رد می‌کند.

البته برخی از محققان علاوه بر تقسیم بندی فوق به لحاظ روش شناسی به تعداد بیشتری از روشها اشاره می‌کنند که از جمله می‌توان به روشهای کلامی - اخلاقی و ادبی، عرفانی و تاریخی اشاره کرد.⁸

در این نوشتار تلاش می‌شود با توجه به جامعیت نظر دکتر فیرحی طبقه بندی دانش سیاسی اسلامی به فلسفه سیاسی و فقه سیاسی مبنا قرار گیرد. زیرا به لحاظ روش شناسی دو روش عقلی و نقلی که هر کدام دو نماینده فلسفه و فقه سیاسی هستند قابلیت تفسیر دانش سیاسی اسلامی را دارند.

فلسفه سیاسی و فقه سیاسی هر چند دو روش تقریباً متمایز دارند اما از آنجا که معطوف به تبیین اهداف مشترکی (ارائه بهترین نظام سیاسی) هستند می‌توانند در ارتباطی دو جانبه به یکدیگر یاری رسانند.⁹

پیش از آنکه به تفصیل در مورد جایگاه عقل در فقه سیاسی اسلامی بحث شود، باید در زمینه تقسیم دوگانه فوق الذکر مطالبی ارائه شود و بعد مباحث عقل و سیر تحولات فقه سیاسی با کنکاش بیشتری دنبال شود.

فلسفه سیاسی اسلامی:

فلسفه سیاسی اسلامی چیست؟ و فلسفه سیاسی اسلامی چگونه تعریف می‌شود؟
فلسفه سیاسی شاخه‌ای از فلسفه است که صادقانه می‌کوشد تا ماهیت امور سیاسی و نظم سیاسی خوب و درست را تشخیص دهد، به عبارت دیگر، فلسفه سیاسی با زندگی سیاسی یعنی زندگی غیر فلسفی بشری بیشترین نزدیکی را دارد.¹⁰

7 - داوود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، چاپ اول، تهران، نشر نی، 1378، ص 31.

8 - موسی نجفی، مدخلی بر تاریخ اندیشه در اسلام و ایران، چاپ اول، تهران، نشر و اندیش، ص 142.

9 - سید صادق حقیقت، درآمدی بر اندیشه سیاسی اسلامی، مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، 1378، ص 65.

10 - لئو اشتراوس فلسفه سیاسی چیست، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی 1373 ص 104

اولین بنیان فلسفه در اسلام را می توان در آثار فارابی (329-259 ق) دنبال کرد. پس از آشنایی مسلمانان با فلسفه یونان، متفکران اسلامی با توجه به زمینه های غنی فلسفی در اسامی توانستند تغییراتی در شکل و محتوای فلسفه وارادتی بدهند و زمینه را برای جذب بیشتر مقولات فلسفی و تکمیلی آن فراهم کنند. بدین ترتیب فلسفه جدیدی بنیان شد که به فلسفه اسلامی شهرت یافت. 2.

فلسفه سیاسی اسلام هم از درون فلسفه اسلامی نشأت گرفت و در واقع یکی از شاخه های آن محسوب می شود که ماده آن میراث جهان شرقی، یونانی — رومی، دانش ها و آداب و رسوم اساطیری و فرهنگ شناسی قوم عرب است، اما صورت و حقیقت این علم تا آنجا که به عالم اسلامی پیوست به قرآن و سنت تقرب می جست. 3.

فارابی اولین فیلسوف جهان اسلام است که در باب فلسفه سیاسی اسلامی سخن گفته است و متأخرین وی اعم از شیعه و سنی مانند ابن سینا، ابن رشد، سهروردی و ملاصدرا و دیگر فلاسفه (گرچه در بخری مبانی با هم اختلاف داشتند) اما از فارابی الگو گرفته اند. وی با بررسی دولت به معنای کشور و حکومت در اندیشه و فلسفه سیاسی اسلام، اولین بنیانگذار این رشته علمی است. فارابی با ترسیم جامعه دینی یعنی حکومت اسلامی انواع دولت اعم از فاضله و غیر فاضله، انواع رهبری و شرایط بقاء و زوال دولت اسلامی را ترسیم کرده است.¹¹ اگر پیشتر موضوع اساسی فلسفه سیاسی اسلامی مسئله امامت، شرایط آن و ساز و کار جانشینی پیامبر(ص) بود و مسلمانان را به گروهها و فرقه های مختلف تقسیم می کرد، اینک در پرتو توان نظری جدید علاوه بر مسئله رهبری سیاسی، مسائل دیگری مانند طبقه بندی

اجتماعات سیاسی، بیان چگونگی جریان زندگی سیاسی، مسئله محوری عدالت و دیگر مسائل عمیق اجتماعی و سیاسی را دنبال می کند.¹²

2- عباسعلی عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1379، ص 137.

3 - محمد پزشکی، فلسفه سیاسی در حوزه تمدن اسلامی قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب 1383 ص 205

1- محسن مهاجرنیا، دولت در اندیشه سیاسی فارابی، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1380، ص 18.

12 - محسن مهاجرنیا، دولت در اندیشه سیاسی فارابی، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1380، ص 18

فقه سیاسی اسلامی:

فقه در لغت به معنای فهم، علم و معرفت آمده است و در اصطلاح به معنای علم به احکام شرعی از طریق ادله تفصیله تعریف شده است.^{۱۳}

اگر احکام اسلامی را به چهار دسته عبادات، عقود، ایقاعات، احکام و سیاسات تقسیم کنیم^{۱۴} فقه سیاسی قسمتی از دسته چهارم است که درباره احکام اجتماعی و سیاسی بحث می کند.

می دانیم که اختلاف اصولی در ادله احکام شرعی و منابع فقه بین فقهای اهل سنت و فقهای شیعه وجود دارد و علمای اهل سنت مدارکی چون قیاس، استحسان و مصالح مرسله را از جمله منابع استنباط حکم شرعی (علاوه بر کتاب) بر شمرده اند و سنت را منحصر در احادیث نبوی دانسته اند. و متقابلاً فقهای شیعه، سنت را به اقوال، افعال و تقریر (سکوت) امامان معصوم (ع) توسعه داده و قیاس، استحسان و مصالح مرسله را از درجه اعتبار ساقط می کنند. بنابراین در اسلام دو مکتب فقهی متفاوت در طول تاریخ فقه بوجود آمد. که به تحولات سیاسی و اجتماعی مختلف از صدر اسلام تا کنون منجر شده است.^{۱۵}

بر این اساس می توان ردپای فقه سیاسی اسلام را از دوران اولیه اسلام در مکه جستجو کرد. با هجرت پیامبر (ص) به مدینه و تأسیس حکومت، نیازهای جامعه اسلامی و دستوراتی که حیات اجتماعی مسلمانان به آن وابسته است را پیامبر پایه ریزی کرد.

در ابتدا نیازهای جامعه مدینه از وحی (نص)، قول، عمل پیامبر (سنت) و امضای بسیاری قوانین و سنتهای ممدوح (عرف) جامعه جاهلی از سوی آن حضرت مشخص و تعیین شد در واقع شالوده فقه سیاسی مسلمانان با اتکا به مبانی نظری و سیره عملی پیامبر بود اما پس از رحلت آن حضرت در ضرورت تداوم حکومت مبتنی بر اندیشه دینی و جانشینی پیامبر اولین اختلاف در فقه سیاسی اسلامی اتفاق افتاد. شیعه و اهل سنت درباره خلافت نظرات متفاوتی ارائه و هر کدام دلایل خاص خود را توجیه می کردند.

خلاف، سلطنت، تغلیب و دیگر مسائل حکومتی علمای اهل سنت را بر آن داشت تا در واقع تاریخی با موقعیت قدرت، دولت اسلامی را مشروع جلوه داده و نظریات را با اعمال سیاسی منطبق کنند.^{۱۶} و از سوی

13 - محمد پزشکی، پیشین ص 207

3- لويس معلوف، المنجد، چاپ سوم، تهران، معراج، 1367، ص 591 - العلم بالاحكام الشرعيه العلميه من ادلتها التفصيله.

4 - محمد جعفری هرندي، فقها و حکومت، چاپ اول، تهران، نشر روزنه، 1379، ص 164.

15 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، مجلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر امیر کبیر، 1366، ص 16.

16 - حاتم قادری، تحول مبانی مشروعیت خلافت، تهران، انتشارات بنیان، 1375، ص 243.

دیگر علمای شیعه هم امامت را در جایگاه متفاوتی از خلافت قرار دادند، چرا که پذیرش امامت بعنوان بدیل نبوت و در طول قرار گرفتن امام با سنت نبوی در قول، فعل و تقریر وی آنان را در استنباط شرعی و سیاسی (حکومتی) کمک می کرد.

فقه سیاسی اهل سنت:

محققان اسلامی درباره تحولات و طبقه بندی فقه سیاسی اهل سنت تقسیم بندیهای متفاوتی را ارائه کرده اند. اما با یک تقسیم بندی کلی با عنوان فقه سیاسی قدیم و جدید می توان دورنمایی از تحولات این علم را نزد اهل سنت دنبال کرد. این دو عنوان عبارت است از خلافت محوری فقه سیاسی قدیم و شورا محوری فقه سیاسی جدید.^{۱۷}

فقه سیاسی قدیم:

فقه سیاسی قدیم اهل سنت اساساً خلافت محور است و این امر با توجه به مسائل صدر اسلام در نظریات علمای اهل سنت مشهود است. تأکید بر عمل و رأی اصحابه^{۱۸} و پذیرش آن به عنوان مهمترین مرجع و منبع روش شناختی برای فهم و تفسیر قرآن و سنت به محور شدن خلافت به عنوان یک اصل اساسی و الگوی صحیح حکومت پس از رحلت پیامبر(ص) و برای دوره های بعد منجر می شود. از همین جهت الگوی زندگی سیاسی خلفای راشدین، الگوی مطلوب در زندگی سیاسی مسلمانان از نظر اهل سنت محسوب می شود. بنابراین فقه سیاسی اهل سنت، خلافت رابه عنوان یک نظام صحیح حکومت اسلامی پذیرفته و به شرح و بسط آن پرداخته است. نص گرایی هم بعنوان یکی از ملزومات خلافت محوری شناخته می شود. به این معنا که تأکید بر نص و تلاش برای برگرداندن منابع استنباط به نص قرآن و نیز تأکید بر فقدان نص از سوی پیامبر(ص) درباره جانشین خود، فقه سیاسی قدیم اهل سنت را به عمل و رأی صحابه می رساند و از این رهگذر، فقدان نص، مهمترین

17 - منصور میراحمدی، روش شناسی فقه اهل سنت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 21، بهار 1382، ص 86.

18 - (صحابه به حسب اصطلاح بر کسانی که در حال اسلام مدت طولانی به ملاقات پیغمبر مشرف بوده و تحمل حفظ حدیث از آن حضرت کرده و به حال ایمان هم از دنیا رفته اند اطلاق می گردد، محمد شهبابی، ادوار فقه، مجلد اول، چاپ دوم، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1366، ص 390).

عامل طرح نظریه خلافت از نظر آنان محسوب می گردد. در میان نظریه پردازان خلافت ابوالحسن ماوردی (متوفای 450 هـ) و ابو حامد محمد غزالی (متوفای 505 هـ) از جایگاه بالایی برخوردار هستند.^{۱۹}

فقه سیاسی جدید:

فقه سیاسی جدید اهل سنت با محوریت شورا و با طرح نظریه حکومت اسلامی از سوی محمد رشید رضا و دیگران مطرح شد. در این نظریه هر چند بر خلافت تأکید گردید. اما تأکید بر بازگشایی باب اجتهاد و حملات مکرر جریان اصلاح طلبی فکری — فرهنگی (که محمد عبده و رشید رضا آغازگر آن بودند) به فقهای پیشین ، زمینه تحول روش شناختی فقه سیاسی اهل سنت را فراهم کرد.

فقه سیاسی جدید اهل سنت با طرح نظریه شورا تلاش می کند با مراجعه به نصوص قرآنی و احادیث نبوی، مؤلفه های نظام شورایی را استخراج کند که بر اساس آن شورا در مقایسه با دموکراسی به عنوان یک نظام سیاسی اسلامی مردم گرا طرح و پایه ریزی می شود.

در این نظریه با تأکید بر عناصری همچون بیعت، شورا، اجماع اهل حل و عقد، بر انتخاب و روش انتخاب تأکید گردیده و از این طریق پایه های دموکراسی اسلامی بنا می شود . گرچه برخی از علمای اهل سنت مانند محمد الشاوی در صدد به اثبات رساندن برتری حکومت شورایی بر دموکراسی غربی هستند.^{۲۰}

نتیجه اینکه فقه سیاسی اهل سنت با تقسیم بندی دوگانه قدیم و جدید و با محوریت خلافت محوری با صبغه اقتدار گرایانه اش و شورا محوری با وجه مردم گرایانه اش گفتمان فقه سیاسی اهل سنت را دچار تحول بنیادین نموده است و این تحول نشان می دهد ، فقهای اهل سنت با بازگشایی اجتهاد به جای پیروی محض از رأی و عمل صحابه در درک نصوص دینی، دچار بازبینی روش شناختی در فقه سیاسی خود شده اند.

فقه سیاسی شیعه:

بنابر یک تقسیم بندی می توان تحولات و سیر تطور فقه سیاسی شیعه را از آغاز یعنی شروع غیبت کبری در سال 329 هـ تا کنون در سه مرحله جستجو کرد.

19 - منصور میراحمدی، پیشین ص 87.

20 - همان، ص 88.

1- از عصر شکوفایی فقه خصوصی تا عصر سلطنت و ولایت

شکوفایی فقه خصوصی از اوایل قرن چهارم تا آغاز قرن دهم هجری را دربر می گیرد که دوران تأسیس، رشد و شکوفایی فقه فردی است و هنوز به فقه عمومی از جمله مباحث سیاسی و حقوق اساسی عنایت نشده است. در این شش قرن واژه‌هایی از قبیل حاکم شرع، سلطان و امام با وظایفی همانند مراحل از امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اقامه حدود شرعی، اخذ مالیتهای شرعی (خمس و زکات) و مصرف آنها، اقامه نماز جمعه، رؤیت هلال، مراسم حج، سرپرستی افراد بی سرپرست و ... مورد بحث فقیهان آن دوران بوده است.²¹

اما عصر سلطنت و ولایت از قرن دهم هجری همزمان با آغاز حکومت صفویان شروع و تا قرن سیزدهم همزمان با ابتدای نهضت مشروطه پایان می یابد. شاخصه این دوره رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران و قدرت نسبی فقیهان در عصر صفوی و قاجاری است. موضوع ولایت فقیه در این دوران بیشتر مورد بحث قرار می گیرد، محقق کرکی (م 460) اولین فقیه است که با استناد به مقبوله عمر بن حنظله در صدد اثبات ولایت فقیه است. اما این بحث را بصورت تفصیلی ملا احمد نراقی در کتاب عوائد الایام خود مورد بررسی قرار می دهد. شیخ محمد نجفی در جواهر الکلام، و شیخ مرتضی انصاری در «کتاب البیع» سعی در تشریح و تبیین مفصلتر این قاعده فقهی — حکومتی می پردازند.²²

مرحله دوم - عصر مشروطیت و نظارت:

از اوایل قرن چهاردهم هجری همزمان با آغاز نهضت مشروطه است. در این مرحله مفاهیم و سؤالات تازه‌ای در جامعه و در ذهنیت فقیهان شیعه مطرح شد. حقوق مردم، آزادی، عدالت، نظارت، استبداد، قانون و مشروطه باعث شد دو رویکرد فقهی متفاوت را شاهد باشیم. حکومت مشروعه و حکومت مشروطه مبتنی بر اذن عام فقیهان دو نظری است که شیخ فضل اله نوری و میرزای نائینی آن را مطرح می کنند.²³

21 - محسن کدیور، نظریه‌های دولت در فقه شیعه، چاپ دوم، تهران، نشر نی، 1377، ص 12.

22 - همان، ص 14 - 18.

23 - همان، ص 19.

مرحله سوم - عصر جمهوری اسلامی:

این مرحله از اواخر قرن چهاردهم هجری قمری آغاز می شود. امام خمینی «ره» نخستین فقیه شیعی است که توفیق تشکیل دولت را یافت. قیام وی بر ضد شاه ایران و لزوم تأسیس حکومت اسلامی دو عملکرد نظری و عملی امام را حل در تحقق نظریه ولایت فقیه و جمهوری اسلامی است. کتابهای کشف الاسرار، الوسائل و تحریر الوسيله کتابهای شاخص امام را حل است که مجموعه صحیفه نور منعکس کننده آراء وی است.²⁴ همچنین می توان فقه سیاسی شیعه را از دو بعد تکوین و تدوین مطالعه کرد. دوره تکوین و تأسیس فقه سیاسی به عصر نزول قرآن و دوره زمامداری پیامبر (ص) و سنت آن حضرت در مقام ریاست دولت اسلامی باز می گردد که در این دوره خطوط کلی فقه سیاسی در زمینه مسائل حکومت، در زمینه های چون، جهاد، تولا و تبرا، صلح، معاهده و دیپلماسی و سیاست خارجی و نظایر آن توسط وحی (قرآن) و سنت پیامبر اسلام تعیین شده و سپس در خلال آن احادیث امامان معصوم (علیهم السلام) تشریح و تبیین شد. عملکرد پیامبر (ص) (سنت عملی) ضمن تأسیس قواعد کلی فقه سیاسی نمونه ها و تجربه های عینی نظریه های اسلام را نیز ارائه داد و موفقیت پیامبر در اجرای احکام تأسیسی اسلام در زمینه مسائل سیاسی بطور ضمنی حقانیت و اتقان این احکام را نیز ثابت کرد و به این ترتیب پیامبر (ص) هم در تأسیس و هم در اجرا الگو و اسوه شناخته شد.²⁵

فقه سیاسی شیعه در طول دوران خود علاوه بر طی نمودن راه خود با فقه عام، بصورت مستقل هم در تاریخ تدوین خود فعال بوده است. گرچه عصر غیبت بعنوان آغاز فقه سیاسی شیعه مطرح شده است. اما این فقه خصوصاً پس از غیبت امام معصوم (ع) با مشکلات بسیاری روبرو بوده است. بحران غیبت تا مدتهای طولانی موجب گردید تا علمای شیعه بصورت انفعالی با مسایل مبتلابه جامعه اسلامی برخورد نمایند. این تلقی که امکان دارد امام معصوم (ع) هر لحظه ظهور کند و مسائل مختلف جامعه اسلامی و خصوصاً شیعه توسط ایشان مرتفع شود، علمای شیعه را در حالتی از انتظار و تردید نسبت به مسایل مهم جامعه دینی قرار داد.²⁶

بطور طبیعی از عوامل مهمی که همواره در تحول اجتهاد و استنباط فقهای شیعه و سنی تأثیر به سزایی داشته است، پیوند با قدرت سیاسی و تصدی شئون حکومتی بوده است از اینرو مجتهدین که فارغ از تحولات اطراف خود به اجتهاد پرداخته اند و سهمی در اداره امور جامعه ایفا نکرده اند، ضرورتاً نیازی به تحول در

24 - همان، ص 21.

25 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، مجلد دوم، ص 42.

26 - غلامرضا ظریفیان شفیعی، دین و دولت در اسلام، تهران: نشر میراث ملل، 1376 ص 307.

شیوه‌های مختلف استنباط و چگونگی تعمیم دامنه فقه در مسایل مبتلا به جامعه را احساس نمی‌کردند. اهل سنت به علت درگیر بودن با امر حکومت و قدرت سیاسی زودتر از شیعیان متوجه فقه سیاسی و حکومتی شده‌اند و شاید یکی از دلایل واقع‌گرایی بیش از حد برخی از فقهای اهل سنت را در همین احساس نیاز ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی جستجو کرد.²⁷

شاید بتوان گفت با پیدایش دولت صفوی فرصت بسیار مهمی برای حضور گسترده‌تر علما و فقها در امور سیاسی - اجتماعی فراهم آمد که پس از زوال صفویان نیز به گونه‌های مختلف حفظ گردید. نحوه ارزیابی علما از نسبت آموزه‌های شیعه با سلاطین صفوی و نوع توجهات شرعی در همکاری یا عدم همکاری با آنان را باید در ذیل عنوان سیر تحول فقه سیاسی بررسی کرد.²⁸

در دوران صفویه و پس از آن موارد فقهی‌ای مانند زکات و به تبع آن قدرت و مرجع مشروع در اختیار گیرنده آن، یا شرایطی چون جنگ و فتاوا جهادی یا امور حسبه²⁹ در کنار توجهات عمومی به اینکه حکومت‌های ایران دست کم داعیه تشیع دارند و موضوع رابطه با آنان کم و بیش در آثار فقهی - سیاسی و سیره علما وجود داشته است، اما به تدریج که جامعه ایران به سمت ارتباط‌های اجتناب‌ناپذیر با مؤلفه‌های تمدنی غرب پیش می‌رود، نقش و فعالیت علما در رویدادهای سیاسی - اجتماعی بیشتر می‌شود.³⁰

علما به منزله پاسداران شریعت و مسئولان اصلی آموزش دینی مردم در موضوعات سیاسی - اجتماعی و به تعبیر عام مستحدثات درگیر شدند که واقعه تنباکو، مسأله بانکداری، جواز یا عدم جواز استفاده از فنون و رسوم غربی و نحوه مواجهه با علم پزشکی و دیگر علوم فناوری و مصنوعات غربی از جمله آنهاست.

فقه سیاسی با وجود ناسازگاری ماهوی خود با سلاطین و سیاست‌های معمول در طول تاریخ، در پناه تقیه و با جانفشانی بزرگان دین، توانایی خود را در شرایط گوناگون نشان داده و نهضت‌های فکری و اصلاحی نیرومندی را رهبری کرده است.³¹

فقهای شیعه گرچه حاکمان و سلاطین را مشروع نمی‌دانستند و آن را غصب‌کننده تلقی می‌کردند در عصر صفوی بیش از آنچه خود را درگیر مشروعیت دادن به اقتدار

27 - همان.

28 - حاتم قادری، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، نشر سمت، 1379، ص 231.

29 - منظور واجب کفایی است که شرع تحقق خارجی آن را خواستار شده است و به علت اولویت فقها و علماء انجام دادن این امور بر عهده آنان است.

30 - همان. ص 232.

31 - محمد حسین توسلی و میرستار مهدی‌زاده، دین دریای سیاست، چاپ اول، قم، نشر مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، 1381، ص 107.

حکومت کنند سعی داشتند تماس و ارتباط میان شیعیان و حکومت را موجه کنند و مشارکت آنان را به درجه‌ای در امور عامه اجازه دهند.^{۳۲}

دخالت علما در حکومت صفوی را می توان از یکسو جبران در تنگنا قرار داشتن شیعیان و اعمال محدودیت و فشار بر آنها در زمان امویان و عباسیان دانست و از سوی دیگر حکومت صفوی که به نام تشیع برپا شده بود زمینه ورود علما و فقها را در حکومت فراهم کرده بود و آنان نیز مباحثی را از جمله نظارت فقها بر انجام تکالیف و واجبات دینی نظیر پرداخت زکات، خمس، قضاوت و دیگر امور شرعی را علاوه بر تصدی گری آن، تشریح این امور را هم بر عهده گرفتند.

فقه سیاسی در کتب متقدمین و متأخرین

فقه سیاسی را می توان در کتب متقدمین که عمدتاً فقه در این دوره را با فقه عام بطور پا به پای به رشته تحریر درآورده‌اند دنبال کرد آثار فقهای چون سید مرتضی (کتاب الانصار) شیخ طوسی (المبسوط فی فقه الامامیه) علامه حلی (تذکره الفقها) و دیگر فقهای که بیشتر مباحث فقه سیاسی آن‌ها مربوط به جهاد، زکات، خمس، تولی، تبری، حج و امر به معروف و نهی از منکر ولایات، قضاء و احیاناً حدود و دیات است پیگیری کرد.^{۳۳}

اما همین فقه سیاسی در کتابهای فقهای متأخر شیعه رویکردی تازه به خود گرفت و حید بهبانی (متوفای 1208) که فقه اجتهادی را با مبارزه علمی اصولی‌ها با اخباری‌ها، به نفع جبهه اصول گرایان تغییر داد. جان تازه‌ای بدان بخشید. پس از آن فقهای همچون ملا احمد نراقی، شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، شیخ انصاری و سید محمد آل بحر العلوم از جمله فقهای هستند که بحث ولایت فقیه، حدود و اختیارات آنرا بیان کردند، گرچه اصل بحث ولایت فقیه تازگی نداشت و فقهای گذشته نیز با عنوان ولایت از ولایت فقیه بحث می کردند اما آنچه که تازگی داشت تمرکز بحثهای فقه سیاسی، توسعه و تعمیق آن تحت عنوان ولایت فقیه بود.^{۳۴}

32 — آن. کی. اس. لمبتون، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه و تحقیق سید عباس صالحی، محمد مهدی فقیهی، تهران، نشر عروج، 1380، ص

393.

33 — عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ص 43 - 47.

34 — همان، ص 47.

با توجه به رویکردی که فقه سیاسی شیعه در دوران بعد از غیبت کبری داشته این زمینه را در خود پرورانده است که می‌تواند با اجتهاد و استدلالات عقلانی در پیشبرد این علم موفق باشد. از این رو بحث اجتهاد و عقل را که در تکوین و پیشرفت فقه سیاسی شیعه نقش زیادی داشته است را دنبال می‌کنیم. و آن را بطور مفصل تشریح می‌کنیم.

اجتهاد:

اجتهاد در فقه اسلامی همان گونه که از معنای لغویش به دست می‌آید به معنای تلاش و کوشش آزاد و مستقل است که مجتهدان آن را برای تکامل و گسترش فقه از نظر مصادیق در منابع و پایه‌های شناخت و ادله معتبر شرعی به کار می‌گیرند.^{۳۵}

فقها سعی می‌کنند با آوردن دلایل مختلف، موضع عملی افراد جامعه را در هر رویدادی از طریق منابع و ادله اسلامی استنباط کنند و به همین منظور دانش فقه را علم استنباط احکام شرعی دانسته‌اند، بنابراین اجتهاد روشی برای کشف احکام شرعی و اجتهادی مردم جامعه است.^{۳۶}

البته باید در نظر داشت که اجتهاد در شیعه با اجتهاد اهل سنت اختلاف مبنايي دارد و هر کدام از آن دو برداشتی متفاوت از احکام شرعی نسبت به دیگری دارد، اجتهاد در نزد اهل سنت در قرون اولیه تاریخ اسلام با عنوان «اجتهاد رأی» مطرح شده است. آنها چنین اجتهادی را به عنوان یک منبع مستقل و در عرض کتاب و سنت در تشریح قوانین اسلامی قرار داده‌اند. آنها در دوره بعد از امامان چهارگانه مذاهب خود قائل به انسداد (بسته بودن) باب اجتهاد شدند. و در این برهه فقهای اهل سنت باید در چارچوب فکری بنیانگذاران مذاهب یعنی (شافعی، احمد بن حنبل، ابوحنیفه و مالک) حرکت می‌کردند و نظرات آنها را در استنباط احکام شرعی جویا شوند و این درست بر خلاف پویایی فقه شیعه است که فقها در آن می‌توانند احکام اسلامی را خود استخراج کنند و علاوه بر اینکه مشی فکری شخص یا اشخاصی را دنبال نکنند بلکه توانایی نقد افکار فقهاء معاصر یا گذشته را نیز دارند.^{۳۷}

بنابراین اجتهاد در شیعه ماهیت دیگری دارد، چرا که بر خلاف اهل سنت در عرض کتاب و سنت نیست بلکه اجتهاد ناظر بر کتاب و سنت و در طول آن دو است، یعنی فقیه باید با اطلاعات کاربردی خود و با در نظر

35 - محمد ابراهیم جناتی، ادوار اجتهاد، تهران، نشر کیهان، 1372، ص 33.

36 - سید محمد باقر صدر، همراه با تحول اجتهاد، ترجمه اکبر ثبوت، تهران، نشر روزبه، 1359، ص 22.

37 - محمد دشتی، فلسفه اجتهاد و تقلید، قم، نشر مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، 1374، ص 139.

گرفتن مقتضیات و شرایط زمان و مکان به اجتهاد در چارچوب کتاب و سنت به کشف قوانین از روی اصول کلی دست یابد.^{۳۸}

از سوی دیگر باید به اختلاف مبانی در میان خود شیعیان هم اذعان کرد چرا که استفاده از روش اجتهادی مخالفانی را هم در پی داشت و آن کسانی جز اخباری‌ها نبودند. این مکتب که ضد مکتب اجتهاد و تقلید بود، صلاحیت و تخصص مجتهدان را در استنباط احکام منکر شده و آنرا حرام می‌دانستند. به حکم این مکتب، فقط احادیث حجت و سند است و حق اجتهاد و اعمال نظر هم صحیح نمی‌باشد و مردم موظفند به همین احادیث و اخبار معصومین (علیهم السلام) در زندگی اجتماعی و سیاسی خود عمل کنند.^{۳۹}

با این وجود باید توجه کرد که اجتهاد بنخاطر پویایی که در طول تاریخ شیعه داشته پیوسته طرح و تدبیری برای تکمیل منابع فقهی و بالقوه انقلابی در برابر قدرتهای دنیوی داشته است. بی تردید اجتهاد توانسته همراه عمل و اعتقاد اندیشه سیاسی و اجتماعی شیعیان پیش رفته و تا به امروز هم قوام خود را حفظ کند.^{۴۰} این اجتهاد با سیر تطور خود از زمان شیخ مفید تاکنون، دانشی عقل باور بوده است و ویژگی خرد گرایانه آن همراه با تأکید بر روش ظنی و خطا پذیر بودن، تلاش کرده مشروعیت خود را تاکنون پایدار نماید^{۴۱} و بر رفع مشکلات فقهی زمانه همت گمارد.

لزوم تحول اجتهاد و فقه

پیدایش نظامهای حقوقی فراوان و ابواب گسترده فقهی این واقعیت را به صورتی محسوس و ملموس نشان می‌دهد که امروزه فقه به صورتی بالنده و پویا می‌تواند در تنظیم قواعد حقوقی، حکومتی و سیاسی حرکت کند و انتظارات نسل‌های خود را برآورد.

البته این امر باید با معرفت عقلانی و استقرایی شریعت تحقق یابد و این بستگی به سه مقوله دارد:

- 1 - شناخت احکام به عنوان مسائل ثابت شریعت
- 2 - شناخت موضوعات با توجه به تحولات تاریخی و اجتماعی
- 3 - روش و شیوه برداشت با توجه به نوع استنباطی که باید بشود.⁵

38 - علی اکبر نوابی، نظریه دولت دینی، تهران، نشر معارف، 1381، ص 44.

39 - مرتضی مطهری، مرجعیت و روحانیت، مجموعه مقالات، تهران، شرکت سهامی انتشار، 1341، ص 44.

40 - حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، چاپ چهارم، تهران، نشر خوارزمی، 1380، ص 275 - 276.

41 - داود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، ص 310.

5 - علی اکبر نوابی، پیشین، ص 48.

عقل:

عقل در کتاب و سنت، قوه‌ای بشری نیست که احتمال خطا در آن راه داشته باشد، بلکه الهام و نوری خداوندی است که روح و نفس، از آن بهره‌مند می‌شوند. این نور جنبه معرفتی دارد و با کمک آن می‌توان حق و باطل و صواب و ناصواب را در جنبه اعتقادی و علمی دریافت و از همین جاست که عقل، حجت ظاهری و ملاک تکلیف است. به این عقل، گاهی عقل فطری یا عقل سلیم یا عقل الهی نیز گفته می‌شود.^{۴۲} امام صادق(ع) عقل را وسیله عبادت خداوند و ابزار رسیدن به بهشت معرفی می‌کند. العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان.^{۴۳}

علی(ع) می‌فرماید: إن الله سكت عن اشیاء لم یسکت عنها نسیاناً، بل تفضلاً منه و رحمه: خدا از در مورد اشیایی سکوت کرده که به علت فراموشی نبوده بلکه از راه فضل و رحمتش بوده است.^{۴۴}

عقل یکی از ادله چهارگانه شیعه برای استخراج و استنباط احکام شرعی است. اینکه از چه زمانی دلیل عقلی و یا عقل‌گرایی در اسلام بصورت یک روش برای تمسک به آن متداول شد، آراء مختلفی وجود دارد، فی الجمله برخی معتقدند که عقل‌گرایی در اسلام با بحث قضا و قدر آغاز شد.

در صحنه زورآزمایی‌های دینی، اولین برخورد بزرگ میان قدریه که طرفداران اختیار بودند و مخالفان آنها جبریه که قایل به جبر و اجبار بودند. تمسک به دلایل عقلی سرچشمه‌اش از این اختلاف صدر اسلام آغاز می‌شود اما بعدها بعنوان یکی از ادله شرعی که قاعده ملازمه آنرا مشروعیت بخشید میسر شد.^{۴۵}

یکی از عمده‌ترین موضوعات بحث در مسأله عقل این است که آیا عقل می‌تواند طریقی یقینی برای رسیدن به حکم شارع باشد، یا چنین چیزی ممکن نیست و یا واقع نشده است. در همین زمینه است که سخن از مستقلات و غیر مستقلات به میان می‌آید و هر یک از این دو به نوعی نمایانگر ملازمه میان حکم شرع و حکم عقل می‌باشد.^{۴۶} اینکه عقل بتواند به صورت یقینی به حکم شرعی برسد، متوقف بر دو رکن حجیت مطلق قطع و یقین و ملازمه آن با شرع است.

42 - سید صادق حقیقت، توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه، چاپ اول، تهران، نشر هستی نما، 1381، ص 82.

43 - ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، مجلد اول، تهران، نشر اسوه، 1370، ص 34.

44 - صبحی صالح، نهج البلاغه، الطبعة الاولى، بیروت، 1387 هـ ق، خیر 130.

45 - جان، آبروی آرتور، عقل و وحی در اسلام، ترجمه حسن جوادی، چاپ اول، تهران، نشر امیر کبیر، 1378، ص 8.

46 - حسین صابری، عقل و استنباط فقهی، مشهد، نشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1381، ص 57.

مسأله حجیت یقین:

می‌دانیم یقین مورد بحث در اصول آن یقینی که در باب برهان مطرح می‌شود نیست. یقینی که در علم منطق به معنای برهان است، از جزم مطابقت با واقع خبر می‌هد و حقانیت برهان را با واقع مورد نظر دارد، اما در علم اصول یقین به معنای انکشاف و جزم تام است که در آن هیچ تردید و شکی وجود ندارد.^{۴۷} در اینکه یقین حجت است شکی نیست. شیخ انصاری در این زمینه در رسائل می‌نویسد:

« در این که پیروی از قطع و عمل بر طبق آن، البته از زمانی که وجود دارد واجب است هیچ اشکالی نیست. چرا که یقین به خودی خود راهی برای رسیدن به واقع است و طریق بودن آن به نفی و اثبات، قابل جعل و (قرارداد) از سوی شارع نیست.»^{۴۸}

قاعده ملازمه:

در کتابهای اصولی این قاعده با همین عنوان و ترکیب شده از دو بخش «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» و «کلمما حکم به الشرع حکم به العقل» آورده شده است. آنچه که در این میان به استنباط و استکشاف حکم شرعی کمک می‌کند بخش نخست این ملازمه است.^{۴۹} «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» هر چه عقل حکم کند، شرع هم طبق آن حکم می‌کند. البته این در صورتی است که عقل به یک مصلحت لازم الاستیفاء و یا مفسده لازم الاحتراز به طور قطع و یقین پی ببرد و به اصطلاح به «ملاک» و «مناط» واقعی بطور یقین و بدون شبهه دست یابد. والا با صرف ظن و گمان و حدس نمی‌توان نام حکم عقل بر آن نهاد. قیاس به همین جهت باطل است که ظنی و خیالی است نه عقلی و قطعی.^{۵۰}

47 — سید محمد باقر صدر، بحوث فی الاصول، تقریر به قلم سید محمود هاشمی شاهرودی، المجمع العلمی للشهید الصدر، ج 4، 1405 هـ، ص

126.

1- حسین صابری، عقل و استنباط فقهی، پیشین، ص 60

50 - مرتض مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، مجلد سوم، تهران، انتشارات صدر، 1369، ص 53.

اعتبار عقل بعنوان یک منبع در موارد سکوت وحی است. که در اصطلاح اصول فقه آن را «مالا نص فیه» می‌گویند. در این مورد تردیدی وجود ندارد که اجتهاد و استنباط عقلی در برابر نص و حکم مقرر در کتاب و سنت اعتبار ندارد.⁵¹

معمولاً هنگامی که از مستقلات عقلیه سخن به میان می‌آید گزاره «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» مورد نظر است. آنچه بیشتر در برخی کتابهای اصولی متأخر شیعه به عنوان دلیل عقلی بحث می‌شود، در ذیل دو عنوان مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه قرار داده شده است.⁵²

مستقلات عقلیه و غیر مستقلات عقلیه

مقصود از مستقلات عقلیه آن است که عقل بدون واسطه شدن بیانی شرعی به تنهایی به ادراک چیزی نایل شود. آن گاه برای آن ادراک، حسن و قبح را که مستلزم ادراک حکم شارع نسبت به آن امر است مثال زده‌اند.⁵³

منظور از مستقلات غیر عقلیه هم به مواردی اطلاق می‌شود که حکم عقلی در رابطه با یک حکم شرعی مطرح می‌شود. مانند مسئله اجزاء، مسئله مقدمه واجب، بحث ضد، اجتماع امر و نهی و مانند آن که از طریق استناد به یک مجموعه ملازمات عقلیه حکم شرعی در موارد ذکر شده بدست می‌آید.

حال اگر عقل به حسن و قبح فعلی حکم کند. طبق قاعده ملازمه، شرع نیز به آن حکم خواهد کرد. برای نمونه عقل به حسن عدالت و قبح ظلم حکم می‌کند و شرع نیز آن را تأیید می‌کند. عقل می‌تواند به نیکویی برخی ناملازمات (مانند مجاهده با نفس و دفاع از خانواده و ملت) و ناپسندی لذت‌هایی که پیامدهای شوم دارند (مانند: نوشیدن شراب و استعمال مواد مخدر) حکم کند. در بحث ملازمات عقلیه کبرا (ملازمه حکم و شرع) در علم اصول بحث می‌شود در حالیکه صغرا همواره در دیگر علوم باید اثبات گردد.⁵⁴

محمد رضا مظفر معتقد است:

«حسن و قبح در سه معنا بکار می‌رود، کمال و نقص، ملائمت و منافرت با نفس و مدح و ذم. معنای اخیر، صفت افعال اختیاری واقع می‌شود. پس حسن و کار نیکو آن چیزی است که فاعلش نزد عقلا

51 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ص 223.

52 - حسین صابری، پیشین، ص 60.

53 - همان.

54 - محمد رضا مظفر، اصول الفقه، جلد 1، چاپ ششم، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان، 1373، ص 209.

مستحق مدح باشد و قبیح آن چیزی است که فاعلش نزد عقلا، مستحق ذم و سرزنش باشد. این ادراک عقل، معنای حکم به حسن و قبیح است و موضوع نزاع اشاعره و عدلیه می باشد».

وقتی می گویند عقل، به حسن یا قبیح چیزی حکم می کند، مراد، عقل عملی (در مقابل عقل نظری) است. به هر حال حسن و قبیح به معنای سوم (مدح و ذم) نیز سه قسم است.

1 - آنچه علت حسن و قبیح است (ذاتی)

2 - آنچه مقتضی حسن و قبیح است (عرضی)

3 - آنچه علت یا اقتضا ندارد، گاهی متصف به حسن و گاهی متصف به قبیح می شود.

مسئله حسن و قبح از قضایای مشهورات است نه اولیات، ثبوت حسن و قبح شرعی متوقف بر ثبوت عقلی آنهاست.^{۵۵}

یکی از عمده ترین دلایلی که بر ذاتی بودن حسن و قبح بیان می شود این است که عقلا بر حسن صدق نافع و قبح کذب زیانبار اتفاق نظر دارند و این قطع نظر از هر حالت ممکن اعم از عرف و دین و همانند آن است. بنابراین حسن و قبح ذاتی و علم به آن نیز ضروری است.^{۵۶}

به عقیده فقهای شیعه، شرع با زبان عقل و استدلال عقلی سخن گفته و هر کجا روشنگری در زمینه فهم عقل و عقلا داشته آن را بازگو کرده و در مورد مسائل عقلی دیگر یا ارشاد نموده و یا با سکوتش دست فقیه را در تمسک به مقتضیات عقل باز گذاشته است. به همین علت است که پیشرفتهای شیعه قیاس اولویت و منصوص العله را که از موارد کاربرد عقل است حجت می دانند.

اکثر فقهای شیعه در مواردی که احکام را به مقتضای دلیل قطعی عقلی می توان ثابت کرد (مستقلات عقلیه) احکام شرع را حمل بر ارشاد کرده اند و در مواردی از احکام که از کتاب و سنت دلیلی بر آن یافت نشد (مالانص فیه) و مخالفتی نیز از جانب شرع درباره آنها احراز نشده، ملازمه عقلی بین حکم شرع و حکم عقل را پذیرفته و آن را حجت دانسته اند.^{۵۷}

پس با این تفصیل در فقه امامیه پذیرفته شده که بسیاری از احکام صریح عقل (یعنی همان چیزی که مستقلات عقلیه نامیده می شود) می تواند کاشف از حکم شرعی باشد. و اینکه مراد از حجیت عقل، حکم قطعی

55 - همان، ص 217 و 228 و 230.

56 - حسین صابری، ص 74.

57 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ص 224.

آن مورد توجه است که همه عقلا بما هم عقلا آن را درک می کنند. در این صورت حکم عقل حجت بوده و کاشف از حکم شرعی است.^{۵۸}

بنابر آنچه گفته شد عقل و جایگاه کاربردی آن اعتبار زیادی در ادله شرعی فقه سیاسی دارد. زیرا عقل منبع همه حجتهای شرعی و فقهی دیگر است. و تنها منبعی است که حتی حجیت وحی و ارزش ایمان و عقاید اسلامی با استناد به آن اعتبار پیدا می کند. موضوع مسئول بودن انسان در برابر احکام الهی و لزوم اطاعت از دستورات دینی، که اولین حکم فقهی است، تنها از منبع عقل قابل تحصیل است.

باید توجه داشت حکم عقلی قلمرویی فراتر از احکام شرع دارد. خواه نابخواه در بدست آوردن حکم شرعی بعنوان یک منبع تلقی خواهد شد. و باید توجه داشت که عقل منبع حکم فقهی است. یعنی وقتی فقیه دسترسی به دلایل کتاب، سنت و اجماع پیدا نکرد، در مقام استنباط حکم شرعی از منبع عقل استفاده می کند، و از این جهت با کتاب و سنت از لحاظ منبع بودن یکسان نخواهد بود و تفاوت آن دو با عقل در دو جهت قابل تصور است.

1 - کاربرد عقل در موارد فقدان کتاب و سنت و مالانص فیه است.

2 - کتاب و سنت دلیل کاشف از وحی هستند ولی عقل در عین اینکه کاشف از حکم وحی است در پاره‌ای موارد حاکم نیز می باشد و مانند وحی منبع حکم تلقی می شود (مستقلات عقلیه) و گاه مقدم بر وحی که منبع کتاب و سنت و اجماع است نیز می باشد (لزوم تبعیت از وحی و شرع) بنابراین منظور از حاکم بودن عقل آن است که عقل دلیل اثبات حکم شرعی است و ما از ادراک عقلی استنباط حکم شرعی می کنیم.^{۵۹}

از این رو عقل می تواند با به دست آوردن مصالح و مفاسد قوانین، نسبت به دایره گسترش آن از نظر سعه و ضیق و اطلاق و تقیدشان نظر بدهد مثلاً اگر عموم و شمول قانون شرعی با حکم عقل ناسازگار باشد، عقل به عنوان «مُنْخَصَّصِ لَبِّی» آن قانون را محدود می کند. و این تخصیص، به منزله تخصیصی است که خود شرع بیان کرده باشد، چه اینکه عقل می تواند قانون شرع را از موارد جزئی و منصوص، در پرتو کشف ملاک آن به موارد دیگری تعمیم دهد. هم چنین عقل می تواند نظر دهد که کدام قانون شرع قابل تخصیص نیست و یا چه حکمی باید تغییر کند.^{۶۰}

استاد مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان در این زمینه معتقد است :

58 - محمد جواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، چاپ دوم، قم، نشر مؤسسه امام خمینی، 1380، ص 89.

59 - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ص 227.

3- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، مجلد دوم، تهران: نشرصدرا 1374، ص 39

60 - محمد سروش، دین و دولت در اندیشه اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1378، ص 80.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

« اگر در جایی مقتضیات زمان عوض شد ، به طوری که برای علم و عقل ثابت شد که مصلحت و ملاک حکمی تغییر کرده ، فقها می گویند : چون زیربنای حکم تغییر کرده ، خود اسلام ، تغییر حکم را اجازه می دهد ، پس عقل عاملی است که در مواردی (نه همه جا) به ملاکات احکام پی برد و علل احکام را کشف کند ، اگر آن علل تغییر کنند ، عقل اجازه دارد که حکم را تغییر دهد ، یعنی در واقع کشف می کند که اسلام چگونه نظری دارد .» 3

نتیجه گیری

با توضیحاتی که در زمینه، دانش سیاسی اسلامی به فقه و فلسفه سیاسی شد و با بررسی موردی فقه سیاسی شیعه و سنی و تحولات آن و بررسی اجتهاد و عقل به این نتیجه می‌رسیم که: دانش سیاسی اسلامی به لحاظ ماهیت و عملکرد در دو جنبه عقل و نقل قابل بررسی است فقه سیاسی اسلامی که از یکسو داعیه دار تبعیت از نقل را دارد، از سوی دیگر در شرایطی، عقلی بودن خود را به اثبات می‌رساند. به عبارت دیگر فقه سیاسی اسلامی با توجه به منابع مورد استفاده خود در استنباط احکام شرعی، قابلیت استخراج مسائل دولت و سیاست را از جنبه عقلانی داراست. به این معنی که می‌تواند با اجتهادی پویا که به عنوان روشی در دست فقیهان برای استنباط احکام شریعت بوده و از عوامل استمرار فقه سیاسی شیعه بوده است ، پیشتاز نظریات فقه سیاسی در عرصه‌های مختلف باشد. این امر به یقین از سوی فقیهانی خلاق در طول تاریخ فقه سیاسی شیعه دنبال می‌شده است.

و ما در فصلهای بعد به نظرات دو نفر از پیشتازان این نحله از فقیهان یعنی آیت اله نائینی و آیت الله صدر خواهیم پرداخت.